

این سد برای سال ۱۴۰۰ پیش بینی شده بود و در خوشبینانه ترین حالت بهره برداری از آن حداکثر در سال ۸۳ و ۸۴ امکان پذیر بود، به مسئله «دوران سازندگی» پرداخته می نویسد: «ولی آنچه که بیش از هر مساله ای دیگر باید مورد توجه قرار گیرد، همان سیاست های دوره به اصطلاح سازندگی است که هزارها و صدها طرح کوچک و بزرگ را تصویب کردند ولی مطلقاً بودجه مناسب برای آن وجود نداشت. به همین دلیل تمامی آن طرحها در مرحله اجرا با ظرفیت زیر ۵۰ درصد پیشرفت و در نتیجه با صرف هزینه ها و زمان بیشتر به اجرا درآمد.» و اما اصل مساله چیست؟ موضوع این است در دورانی که حقیقتاً شدیدی بر فضای میهن حاکم بود رفسنجانی با استفاده از وضع موجود و وعده های دهان پرکن و اجرای سیاست های به شدت مخرب در جهت منافع سرمایه داری جهانی و چپاولگران داخلی که خود و خانواده اش از جمله آنها می باشند نه تنها زیرساخت های صنعتی و تولیدی کشور را به سوی نابودی سوق داد بلکه برای خفه کردن هر گونه صدای مخالف، به قلع و قمع مخالفان سیاسی در داخل و خارج از کشور پرداخت. در واقع امر نگرانی و دلمشغولی رفسنجانی از اوضاع فعلی و حمله دوباره او به روزنامه ها و مطبوعات ناشی از وضعیتی است که اجازه گردنکشی را از او سلب کرده است. در اینجا بحث بر سر افشای دوران سیاه رفسنجانی و عملکردهای ضد میهنی او نیست، چه این مساله را توده ها در جریان انتخابات مجلس ششم با سبلی محکمی، به او گوشزد کردند، بلکه بحث اصلی ابراز خشم عبریان رفسنجانی از وضعیت موجود است. رفسنجانی عوام فریبانه سعی دارد در هر وضعیتی ضدین ارابه یک چهره «آزادی خواه» اقدامات ضد مردمی خود را از پشت پرده به مرحله اجرا درآورد ولی همینکه او علناً در اینباره به تحلیل اوضاع پرداخته است را باید ناشی از اوضاع بسیار حساس میهن ارزیابی کرد. رفسنجانی آگاه از این مسئله که ادامه وضعیت کنونی به نفع او و همفکرانش نیست. گفت: «اگر دشمن می خواست ما را مشغول کند و از توجه به مشکلاتمان باز دارد، بهتر از این نمی توانست عمل کند که خودمان می کنیم.» رفسنجانی هنوز هم فریبکارانه سعی دارد، جنبش مردمی را به نوعی دعوا بین نیروهای «خودی» تقلیل دهد در حالی که خود بهتر از هر کس دیگر می داند که وضعیت موجود حاصل نه تقابل نیروهای درون حاکمیت که دقیقاً مبارزه فزاینده و هوشمندانه توده ها با رژیم ولایت فقیه است. چنانچه چیزی غیر از آن بود طبیعاً به کنترل درآوردن اوضاع برای او و همکارانش به راحتی میسر بود.

۳۰۰ عنوان جرم و صد هزار زندانی اضافه

هفته گذشته مرتضی بختیاری رئیس سازمان زندان ها در کرمان با اشاره به وضعیت زندان ها و زندانیان گفت: «سازمان زندان ها نیاز به یک پالایش مبنایی نسبت به قوانین جزایی در کشور دارد و این قوانین باید بازنگری اساسی شوند.» وی افزود: «بیش از ۳۰۰ عنوان جرم در کشور وجود دارد که برای آنها مجازات «حبس» در نظر گرفته شده است.» او گفت: «سیاست قوه قضاییه آن است که با «مجازات حبس» به عنوان یک ضرورت نگاه شود نه به عنوان مجازات برای هر جرمی. اگر زندان و مجازات به عنوان یک ضرورت مطرح است باید تنها برای جرایم خاص نظیر بر

ادامه در صفحه ۲

«سرگرمی» مرتجعان حاکم، معضل خشکسالی و دوران سازندگی

هاشمی رفسنجانی، «ستون خیمه نظام» رژیم ولایت فقیه در نماز جمعه این هفته تهران ضمن اشاره به وضعیت موجود فضای سیاسی کشور، تحولات کنونی را نوعی «سرگرمی» دانست. رفسنجانی گفت: «می بینید که فضای کشور چگونه است؟ دامنای مشاجره، نزاع، تهمت و همدیگر را طرد کردن. مردم روزنامه ها را که باز می کنند می بینند که همه اش دعوا است.» (ایرنا، ۱۵ تیر) وی در جایی دیگر با اشاره به خشکسالی اظهار داشت که، خشکسالی تفسیر کسی نیست، ولی عواملی هست که می تواند فشار را کم کند. به گفته وی، اگر سیستم آبیاری مناسب برای مصارف کشاورزی و صنعتی تنظیم شده بود، در مصرف ملاحظه می کردیم، سد «ماملو» در اطراف تهران به موقع اجرا می شد، حالا این مشکلات وجود نداشت. عباس عیدی در مقاله ای به نام «ماملو» در روزنامه «نوروز»، ۱۷ تیر ضمن اشاره به این مسئله که بهره برداری از

ضمیمه

نامه مردم
ارکان مرکزی غرب توده ایران

ضمیمه ۶۱۲، دوره هشتم
سال هجدهم، ۱۹ تیرماه ۱۳۸۰

«کمیته ایکس»، ترندهای ارتجاع و راههای مقابله با آن

سیاسیون رادیکال جناح دولتی (دوم خرداد) ... که در آن جلسه تصمیماتی پس بحران ساز اتخاذ شده است ... این کمیته که نامش را کمیته ایکس می گذاریم گفته می شود در تهران با تشکیل جلسه درباره آینده اصلاحات و کشور تصمیم گرفته است ... این کمیته در پی ضعف و شکست شکل گیری طرح گرانیگاه اصلاحات به عنوان بازوی عملیاتی اصلاحات بوجود آمده ... سپس این روزنامه ایجاد یک نیروی شبه نظامی و تلاش برای تأسیس شبکه های خصوصی تلویزیون برای دولت و مجلس را از جمله دیگر تصمیمات کمیته مورد اشاره اعلام می کند.

محمد رضا خاتمی در یک گفت و گو با «نوروز»، چهارشنبه ۱۳ تیرماه، چنین اظهاراتی را زمینه سازی برای اقدامات افراطی جدید دانست. خاتمی گفت: «پس از حمله مطبوعاتی باید منتظر اعلام خطرها از سوی تریبون های رسمی و نصیحت های دلسوزانه بود که چنین کارهایی خوب نیست و بعد چون پاسخ عملی داده نمی شود، لابد حجت تمام می شود که ما گفتیم و شما اجابت نکردید پس لازم است با شما برخورد شود بنا بر این در مرحله سوم باید منتظر برخورد فله ای با اشخاص و گروه های خاصی باشیم که دیگر فقط برانداز قانونی نیستند، بلکه در صدد تشکیل ملیشیا و کمیته عملیات بوده اند و اصولاً همه جلسات رسمی و علنی حزبی آنها همین موارد بوده است.» خاتمی همچنین از احتمال پیدا شدن افراد «با غیرت» نیز خبر داد. وی همچنین

ادامه در صفحه ۲

از چند هفته گذشته به این سو بار دیگر میهن ما شاهد گسترش فعالیت های تحریک آمیز و اقدامات توطئه گرانه مدافعان ذوب در ولایت به اشکال و شیوه های گوناگون است. دور نوین بحران آفرینی های ارتجاع، با نامه هاشمی رفسنجانی، به عنوان رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام آغاز شد. طی این نامه مجمع فوق درخواست نمایندگان مجلس برای تحقیق و تفحص در ارگان های مختلف را بر پایه نظر تفسیری شورای نگهبان امکان ناپذیر دانست و عملاً در برابر آن مانع تراشی کرد. موضع گیری رفسنجانی و شرکاء را در مجمع تشخیص مصلحت به بهانه اینکه: «اگر افرادی تمایل ندارند که از اختیارات مقام ولایت در حل پیشامدها بهره گیری درست شود برای مشکل موجود راه حل دیگری ارابه دهند» می توان یک قدرت نمایی پس از انتخابات هیجدهم خرداد محسوب کرد.

همزمان با این مانور حساب شده مطبوعات وابسته به جناح ذوب در ولایت تبلیغات گسترده بی را پیرامون مساله تأسیس سازمان های امنیتی و اطلاعاتی موازی با وزارت اطلاعات به راه انداختند و جناح مقابل را به توطئه چنین متهم ساختند. در همین زمینه روزنامه رسالت ارگان مافیای بازار طی مقاله ای، سه شنبه ۱۲ تیر، به شکل گیری کمیته بی با عنوان «کمیته ایکس» که از سوی جناح هوادار دولت مقدمات آن تدارک دیده شده اشاره کرد و از جمله نوشت: «خبر تشکیل جلسه کمیته ای متشکل از بعضی

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»

ادامه کمیته ابکس ...

با اشاره به وجود جریاناتی که قبلاً در وزارت اطلاعات فعال بوده اند گفت که، از کجا معلوم در حال ریشه دوانیدن در جاهای دیگر نباشند.

تبلیغاتی از این دست، از سوی چماق داران مطبوعاتی ارتجاع، در زمانی با حجم وسیع صورت می گیرد که شواهد انکار ناپذیری از تشکیل سازمان های اطلاعاتی و امنیتی توسط مدافعان ذوب در ولایت در پوشش های گوناگون وجود دارد. در عین حال روشن شده است که واحد اطلاعات سپاه پاسداران و اطلاعات نیروهای انتظامی نیز از ابتدای سال جاری به نحو چشمگیری بر دامنه فعالیت های خود افزوده اند. محسن میردامادی، رئیس کمیسیون امنیت و سیاست خارجی مجلس، در عکس العمل به همین روند صراحتاً اعلام کرد که: «مجلس مداخله نیروهای اطلاعاتی نظامی را در امور غیر نظامیان بررسی می کند.»

تجربه چهار سال گذشته نشان می دهد که ارتجاع برای بورش به جنبش مردمی و باز پس گیری مواضع از دست رفته ابتدا به وسیله صدا و سیما و ارگان های مطبوعاتی خود دست به تبلیغ و جو سازی می زند و سپس گام های عملی و بورش را آغاز می کند. رخ دادهایی چون دستگیری نیروهای ملی - مذهبی به اتهام واهی «براندازی»، «برنامه چراغ» و «نوار سازان» همگی با همین روش پیاده شدند. در شرایط کنونی نیز برنامه ذوب شدگان در ولایت روشن است پس از شکست سنگین ارتجاع در انتخابات هیجدهم خرداد مافیای قدرت، و در رأس آن ولی فقیه و کارگزار رسوایی همچون هاشمی رفسنجانی می کوشند با توسل به شیوه های گوناگون فضای مناسب را برای به کار گیری اهرم های سرکوب در مقیاس وسیع به وجود آورند. بی جهت نیست که رفسنجانی در سخنان مراسم ۷ تیرماه با زبان تهدید آمیز سخن می گوید و در برابر «حزب الله»، «انصار حزب الله» و بسیج به شکل تحریک آمیز از «احساس وظیفه و صلابت انقلابی» سخن می گوید و با تهدید مخالفان به سرکوب می افزاید: «انقلاب اسلامی آماده است که بماند و خداوند هم پیروزی که در آن نیروی لازم بکار رفته باشد تضمین می کند.» دور نوین توطئه های هدفمند واپس گرایان امری دور از انتظار نبود. حزب ما قبلاً بدفعات تکرار کرده بود که ارتجاع هرگز به سادگی به خواست و اراده مردم گردن نخواهد گذاشت و برای حفظ امتیازات باد آورده خود از همه شیوه ها و ترفندها بهره خواهد گرفت. در اوضاع کنونی روشن است که شایعه پراکنی و بحران آفرینی هدفی فراتر از یک کشاکش مطبوعاتی و جنگ تبلیغاتی صرف را دنبال می کند. مدافعان ذوب در ولایت در پی فرصت مناسب در زمان مناسب برای وارد آوردن ضربه جدی بر پیکر جنبش مردمی هستند. این واقعیت را نباید لحظه بی از نظر دور داشت. تحرکات اخیر ارتجاع را همچنین نباید بی ارتباط با محاکمات فرمایشی دانست که قوه قضائیه ارتجاع برای نیروهای ملی - مذهبی تدارک می بیند و قرار است در جریان آن وجود یک «جریان برانداز» را به اثبات برساند و لابد ارتباط این جریان را با برخی «نیروهای رادیکال جبهه دوم خرداد» روشن کند.

در عین حال ذکر این موضوع حائز اهمیت است که ارتجاع امیدوار است با وارد کردن چنین فشارهای سنگینی بخش های وسیعی از طیف جبهه دوم خرداد را به سازش و یا حتی انفعال بکشاند و در چارچوب سیاست «حفظ مصالح نظام» مهار کند. درست در چنین اوضاع و احوالی است که باید با درس گیری از تجربیات چهار سال گذشته و با درک ثمرات منفی سیاست های مماشات گرانه از قبیل «آرامش فعال» و «میان روی و اعتدال» که عمدتاً حاصلی جز تقویت ارتجاع نداشته است در مقابل تهاجمات نیروهایی که هدفی جز سرکوب کامل جنبش مردمی ندارند ایستادگی کرد. مهمترین و مبرم ترین درس این چهار سال گذشته در دو اصل خلاصه می شود. نخست تکیه به مردم و سازماندهی جنبش مردمی برای ارتقاء کیفی مبارزه و دوم ضرورت اتحاد و همبستگی همه نیروهای واقعی مدافع آزادی و عدالت اجتماعی در یک جبهه واجد برای درهم شکستن سد استبداد و طرد رژیم «ولایت فقیه» است. تجربه چهار سال گذشته نشان داده است که نمی توان تلاش در راه حفظ رژیم «ولایت فقیه» و ساختار عمیقاً استبدادی و ضد مردمی حاکمیت سیاسی را با خواست و آرمان های مردم برای استقرار یک حکومت ملی و دموکراتیک برخاسته از آراء مردم آشتی داد. جنبش باید بدون توجه به تبلیغات مجیزگویان رژیم استبدادی، با استفاده از همه امکانات موجود خود را برای مقابله وسیع با توطئه ها و ترفندهای ارتجاع آماده کند.

ادامه ۳۰۰۰ جرم و صدها زندانی ...

هم زدن نظم و آرامش و امنیت جامعه و یا اخلال در نظم عمومی، مجازات حبس در نظر گرفته شود.» (نوروز، پنجشنبه ۱۴ تیر) مرتضی بختیاری قبلاً با اشاره به اینکه زندان های کشور بیش از صد هزار زندانی مازاد بر فضای موجود دارد گفته بود: «یکی از راهکارهای کاهش آمار زندانیان همین بحث تعلیق مجازات است که اگر فردی برای بار اول به زندان محکوم شود ۲ سال حبس به ۵ سال حبس تعلیقی محکوم می شود که طرف حق ارتکاب جرم را ندارد و راه حل دیگر تبدیل مجازات است که حبس را به جزای نقدی و مجازات های دیگر تبدیل کرد.» (نوروز، سه شنبه ۱۲ تیر) هفته گذشته خانواده های زندانیان سیاسی در نامه خطاب به ملت از جمله آورده اند: «ادعای آقای مبشری مبنی بر وضعیت سلول بازداشت شدگان که مبلمان و برخوردار از امکانات بوده و بازداشت شده در انفرادی نیست و از همه مهمتر ادعای بازداشت شدگان در ملاقات ها و تماس های تلفنی منطبق بر واقعیت نیست، بلکه ادعایی متناقض و آشکارا متضاد با واقعیت امر می باشد. چرا که عدم نور و هوای آزاد، تنفس از دریچه سلول در گرمای شدید تابستان، اعمال شرایط سخت روحی و فشار روانی، بیماری های سخت جسمی که همسران ما مبتلا شده اند و موارد بسیار دیگر، حکایت از شرایط سخت سلول انفرادی دارد و چنین ادعایی از سوی یک روحانی که مسئولیت دادگاه انقلاب را نیز بر عهده دارد، بسیار بعید، شگفت انگیز، تکان دهنده و نگران کننده است.» مقایسه سخنان دست اندرکاران قضایی رژیم ولایت فقیه و عملکردهای آنها با توجه به وضعیت زندانیان سیاسی قابل تأمل است. بختیاری می گوید که زندان و مجازات باید تنها برای جرایم خاص نظیر برهم زدن نظم و آرامش و امنیت جامعه و یا اخلال در نظم عمومی، مجازات حبس در نظر گرفته شود. به عبارت بسیار ساده کسانی همچون زندانیان سیاسی که هر روز بر تعداد آنها افزوده می شود باید به زندان افکنده شوند و در زندان های انفرادی برای مدت نامحدود بسر ببرند و معتادان و قاچاق چپان مواد مخدر، زندان و سارقان و کلاه برداران را با «سرمایه محبت» از زندان آزاد کنند. اینجا بحث بر سر آزادی و یا عدم آزادی اینگونه زندانیان نیست، چرا که خود این زندانیان هم قربانیان دیگر این رژیم هستند اما از نظر رژیم ولایت فقیه و دستگاه سرکوبگر قضایی اش، برهم زندگان «نظم و آرامش» همان آزادی خواهان و مبارزان سیاسی هستند، چون آنها با افشای عملکردهای مخرب و ضد مردمی حاکمان، نظم و آرامش آنها را در هم می ریزند نه نظم و آرامش جامعه را به همین دلیل مجازات زندان و حبس در مورد آنها بایستی انجام گیرد. بختیاری بحث تعلیق مجازات ها را عنوان می کند که بر اساس آن زندانیان را در ازای دریافت مبلغی آزاد می کنند. با نگاهی به وضعیت زندانیان سیاسی کشور و افرادی همچون شمس الواعظین و گنجی این سوال مطرح می شود که چرا در پایان دوران محکومیت، پرونده های جدید بر ضد این افراد توسط قاضی مرتضوی ها به جریان می افتد و چندین سال بر محکومیت آنها افزوده می شود. چرا «سرمایه محبت» در مورد زندانیان سیاسی اجرا نمی شود. همین امر نشان دهنده این واقعیت نیست که روش و سیاست قوه قضائیه زندان و حبس برای آزادی خواهان و چپاول کسانی است که خود از قربانیان رژیم ولایت فقیه هستند.

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.
 1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
 2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
 3. <http://www.tudehpartyiran.org>
 4. E-mail:mardom@tudehpartyiran.org
 Supplement to Nameh Mardom-NO 612
 Central Organ of the Tudeh Party of Iran

10 July 2001
 شماره فاکس و
 تلفن پیام گیر ما
 ۰۰-۴۹-۳۰-۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:
 نام IRAN e.V.
 شماره حساب 790020580
 کد بانک 10050000
 بانک Berliner Sparkasse